

ازد کتر خیاب پور

ترجمه و اقتباس

نشریات فرگیله

چند کتاب خطی مهم فارسی در گوشه‌ای از آسیای صغیر

در «مجموعه زبان و ادبیات ترک»، که از طرف دانشکده ادبیات استانبول منتشر می‌شود مقاله‌ای بقلم آقای احمد آتش مندرج است (۱) که از بعض کتابهای خطی مهم فارسی و ترکی و عربی موجود در کتابخانه‌ای آنتالیا (در جنوب غربی آسیای صغیر و ساحل دریای مدیترانه) وحوالی آن بحث می‌کند. کتابهای مورد بحث مجموعاً ۱۸ جلد است؛ ۸ جلد ترکی، ۵ جلد فارسی و ۵ جلد عربی. اینکه مابر طبق وعده‌ای که در شماره گذشته داده‌ایم قسمت کتابهای فارسی را از مقاله مزبور (ص ۱۸۰ - ۱۸۶) اقتباس و باشد تصریفی در اینجا نقل می‌کنیم:

۱ - «رسائل العاشق ووسائل المشتاق» تأليف ابوالمعالي مسعود بن احمد السيفي این نسخه در کتابخانه خلق المali (۲) (در مغرب آنتالیا) است و دارای شماره ۳۰۰۵ می‌باشد. نسخه ایست مشتمل بر ۱۹۳ برگ برابعad ۱۴/۶×۱۹/۷ (۱۰/۵×۱۵/۴) سانتیمتر و هر صفحه آن عبارت از ۱۴ سطر بخط نسخ سلجوکی و با حروف درشت.

هسته-نخ تاریخ استنساخ و نام خود را چنین مینویسد: « تم الكتاب بعون الله ۰۰۰ سلخ شهر محرم سنة ۶۸۵ علی بدی ۰۰۰ محمود بن - (۳) الملقب بالجمید المرقندی - (۴) »

(۱) - Ahmed Ates, «Burdur-Antalya ve havalisi kütüphane-lerinde bulunan Türkçe , Arapca ve Farsca bazi mühim eserler»(Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi, 1st, 1948, II, 171-191)
(۲) - Elmali

اول کتاب : «سپاس و سپایش خدای را جل و علا که آفرید گار جهان و جهانی است ... اما بعد چنین گوید ابوالمعالی مسعود بن احمد السیفی ... چون ایزد نمای بفضل و کرم خوبیش مرآ طبیع شعر ارزانی داشت میل من بهیچ نوع از انواع اشعار زیادت از آن نبود که بغاز و از انشاء و انشاد من بیشتر غزل یافته شود که در غزل او صفات وصال و فراق و جنگ و صلح و وفا و جفا و امثال و افران آن بسیار آید ، هرگاه که عشق نامه از جهت خوبیش یا از بهر دوستی که اقتراح کردی انشا کردمی موافق آمدی که طبع و خاطر من باین نوع گستاخ شده بود والفت گرفته ، پس چون حال چنین بود خواستم که درین معانی رسائل (۱) انشا کنم و آنرا رسائل العذاق و رسائل المشتاق نام نهم ... چون از فهرست نامه برداخته شدم خواستم که صدر کتاب مزین و مشرف گردانم بصدری که جهان مروت مزین است ... و بدین صفت امیر عبد ضیاء الدین بهاء اسلام والملمین جمال الدوله شمس الملک اصیل خراسان فخرالمعالی محمد بن محمود بن ذکریا را یافتم جوانی که فر جوانان دارد و هم نیاهت پیران » .

آخر کتاب : «اما واجب دانستم باز نمودن که رسایل جز بمشوق هم توان بثت آنکس را قدرت طبع وقت خاطر دارد والله اعلم بالصواب».

این کتاب که در هیچ جا نسخه دیگری از آن بر تغوردم چنانکه دیدیم تالیف مسعود بن احمد السیفی است که بنابتند کره های فارسی (عوفی ، لباب الالباب ، نشر برآون ، ج ۲ ، ص ۱۵۹ ؛ دولتشاه ، تذكرة الشعراء ، نشر برآون ، ص ۱۰۸ ؛ رضاقلی خان ، مجمع الفصحاء ، ج ۱ ، ص ۲۵۲) از شعرای دوره سلجوقیان بوده است . عوفی ویرا در میان شعرای دوره سلاجقه خراسان ذکر میکند دولتشاه از شاگردان فرید کاتب میشمارد . صاحب مجمع الفصحاء هم که در این باب محقق از عوفی استفاده کرده است ، معلوم نیست بچه علتنی او را از شعرای تکش خوارزمشاه (۵۶۸ - ۵۹۶) میداند (۲) . بهر حال از تمام این اقوال چنین بر می

۱ - کلمه «رسایل» در اصل نسخه که دو صفحه از اول آن گراور و به قاله ضمیمه شده است «رسایلی» است (متترجم) .

۲ - مخفی نماند که پیش از صاحب مجمع الفصحاء دولتشاه این شاعر را از شعرای تکش خوارزمشاه دانسته و صاحب مجمع الفصحاء هم در این خصوص بی شبها از وی پیروی کرده است . دولتشاه گوید : «اما سیفی نیشا وری شاعر تکش خوارزمشاه است که لقب او علاء الدین بوده (۳۰۰۰) (تذکره دولتشاه ، نشر برآون ، ص ۱۰۸) (متترجم) .

آید که وی از شواری نیمه دوم قرن ششم هجری بوده است.

ناگفته نماند که در میان تذکره های مزبور فقط عوفی است که نام این شاعر را بطور کامل ذکر کرده است باین شکل : «الحکیم علی بن احمد السیفی»، و حال آنکه در این نسخه نام وی مسعود است نه علی . ولی چون میدانیم که تذکره نویسان ایرانی در قید اسمای شعر اغلب اشتباه می کنند بنا بر این فوردی میتوانیم حکم کنیم که اشتباه از عوفی است و نام شاعر مسعود بوده نه علی .

اما کتاب «رسائل العشاق»، گرچه عوفی اسمی از آن نبرده ولی اشارتی کرده باینکه عبارت از یکصد نامه عاشقانه است و آنرا بسیار مدح کرده و ستوده است (۱) . و پس از وی فقط صاحب مجمع الفصیحا است که بعثی از این کتاب می کند . سیفی نیشابوری ، چنانکه در مقدمه کتاب خود توضیح میدهد اغلب اشعار خود را بشکل غزل میگفته و در نوشتن نامه های عشقی زبردست بوده است ؛ بانو شتن یکصد نامه عاشقانه این اثر را بوجود آورده و با پیر عمید ... فخر المعالی محمود بن ذکریا تقدیم کرده است . مقدمه کتاب که در حدود ده برق ویشتر آن راجیم به فهرست کتاب است بایک فصل دو برگی در بیان دوستی و انواع آن خاتمه می یابد و سپس نامه ها شروع میشود .

۳ - «مختصر مکارم الاخلاق»

این نسخه در بوردور (۲) (در شمال غربی آنتالیا) است و در کتابخانه وقف و خلق اوی (۳) ، تحت شماره ۶۵۳ مقید میباشد . نسخه ایست دارای ۱۵۰ برق

۱ .. لباب الالباب ، ج ۲ ، س ۱۵۹ : «وتاییقی ساخته» است بصد عشق نامه که عاشق به مشوق نوبت در میانی و احوال که میان عاشق و مشوق افتند ، در غایت لطف آمده است و مقبول فضلا و بسنده بده . اما نول است ... ۰۰۰ »

(۲) - Burdur

(۳) - «Vakif ve Halkevi »

با بعد ۱۲/۷ (۱۸/۲/۸) سالیمتر که هر صفحه‌ای از آن ۱۵ سطر است و بخط نسخ قدیم ایران نوشته شده و تاریخ اتمام آن قید نشده و متعلق به قرن هفتم هجری است.

آغاز کتاب : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَيْنَ مَجْمُوعُ طَرْفَيِ الْفَضْلِ وَمَعْنَى كَه خواجه امام استاذ رضی الدین منشی الکلام ابو جعفر النیسابوری طاب اسمه و در رسما در کتابی که نام آن مکارم اخلاق کرده است در سلک بیان آورده است و افتتاح این تسویه در سلیمان ذی القعده سنه ۶۰۱ اثبات افتاد ... از مدتها مذید ... باز خاطر نگران بود و ضمیر ملتفت بذان که در محساست سیر تالیفی کرده شوند روز کار بفرصت آن مسامحت نمی کرد تا شبی که فرصت خدمت مجلس عالی مجیر الدین نجم بن محمد الدهستانی دست داده بود ... با تمام اشارت فرمود ... و اگر چند نیز بارسی شیوه معهود ... این داعی بوده است و لکن ایادی و صنایم ولی نه، این اقتضا کند که به ر طریق که ممکن گردد در فضاء حق این ... نموده آید ...».

ماهه بنسخه دیگری از این اثر برخوردم و نه مولف آنرا میتوانیم تدبیرت کنیم و نه در باره اصل آن که بنا بمقدمه مزبور در فوق تالیف رضی الدین ابو نصر النیسابوری است اطلاعاتی تو انتیم بدست بیاوریم. گرچه رضی الدین ابو نصر الحسن بن الفضل الطبرسی کتابی بزبان عربی دارد بنام «مکارم الاخلاق» که چند دفعه هم بزبان فارسی ترجمه شده است (رجوع شود به

C. A. Storey, «Persian Literature, A Biobibliographical survey», Section II, Fasciculus I, London, (1935, s. 176). ولی نام و نسبت این دو مولف با همدیگر اختلاف دارد.

اما بنا بر آنچه سازب چلبی گوید («کشف الظنوں»، نشرش. یالنقاپا ور فعت ییلگه، استانبول، ۱۹۴۳، ج ۲، ص ۱۸۱۱) در کتابی بنام «تعلیم المتعلم» از ری باسم «مکارم الاخلاق»، بشخصی مسمی بر رضی الدین النیسابوری نسبت داده شده است که باید مقصود از آن همان اصل کتاب مورد بحث ما باشد.

۴- «ابتدایه» تالیف سلطان ولد

این نسخه نیز در بوردور در کتابخانه «وقف و خلق اوی»، است و تحت شماره ۳۶۵

مقید میباشد. نسخه ایست مشتمل بر ۲۲۰ برگ با بعد از ۱۶/۲×۱۹/۵ (۱۳/۲×۱۹/۵) سانتیمتر.

در این نسخه اصلاحات زیادی بعمل آمده است چنانکه گاهگاه علاوه‌های دیده میشود و گاهی هم یک صفحه بر متن افزوده‌اند و در بسیاری از جاها علامانی در حاشیه کتاب گذارده و خواسته اند تغییری در ترتیب بیتها بدهند. آخرین فرم کتاب از حیث کاغذ جدیدتر بنظر می‌آید و در آخر نسخه هم تاریخ اختتام قیدنشده است. اول کتاب: «سبب انشاع متنوی ول در بیان اسرار احادی آن بود که ۰۰۰».

سلطان ول فرزند مولانا ابتدانامه او بقدرتی معروف است که حاجت بهیچگونه شرح و بیان نیست و نسخه‌های ابتدانامه نیز که اصلاح‌خیلی فراوان است در مقاله‌ذیل گردآوری شده است.

H. Ritter, philologika IX : Maulânâ Galâladdin Rûmî und sein Kreis, Der Islam, LXVI, cüz 3 (1942), s. 232-233). ولی این نسخه، ازاو صافی که برای آن شمردیم، معلوم میشود مسوده ای بوده است و بنا بر این خیلی اهمیت دارد.

۴- «لمحة النظر»

این نسخه نیز مافنده دو نسخه سابق در بوردور در کتابخانه وقف و خلق اوی، است و تحت شماره ۱۲۳۷ مقید میباشد.

عدد اوراق آن ۵۴ است با بعد از ۱۶/۷×۲۳ (۱۶/۷×۱۲) سانتیمتر. کتابتش نسخی است منظم و ۱۷ سطری. اوایل فصلها با مرکب سرخ نوشته شده و قید استنساخ آن چنین است: «نم الكتاب ... على يد ... احمد بن محمد المواتي الاحدي الكاتب في اواخر ربیع الآخر سنة ۱۷۷». آغاز کتاب: «ملهم خططا و صواب و خطيب خطاب فضول واواب در ضمير خراب... این ضمیف تعجب را متفاضیات درون بکماشت تابقی چند از نظم در میدان غربت بربان آورد ... هم بـ اسمای حسنای معلای امیر فقیر نهاد ... نجم الملة والدين ...».

این کتاب امثال و حکم عربی است که با ایراد حکایات تشریح و توضیح شده است؛

و مانه مؤلف آنرا تو انتیم تثیت کنیم و نه نسخه ای دیگر از آنرا. و همچنین هویت امیر فقیر نهاد نجم الدین که کتاب بدو تقدیم گردیده است برای ما معلوم نشد. گرچه یک امیر قارا طای (۱) سراغ داریم که بالاین وصف ذکر شده و در کتابی بنام «ترجمه مدح فقر و ذم دنیا» که بوی تقدیم شده است به امیر فقیر سیرت، موصوف گردیده (برای این کتاب رجوع شود به

Ahmed Ates, «Hieri VI-VIII(XII-XVI (۲)) asirlarda Anadolu-da farsca eserler» Türkiyat Mecmuası, c. VII-VIII, cüz II, Istanbul, 1945, s. 123.)

ولی نام بالقب او جلال الدین است نه نجم الدین. با اینحال گمان میکنم که این اثر در آناطولی تالیف شده باشد.

۵- «بسا این الانس» تالیف محمد صدر علاء احمد حسن دبیر عبادوسی این نسخه در آن تالیبا است و در کتابخانه، تکلو او غای (۳) بشماره ۸۲۱ مقید می باشد.

نسخه ایست دارای ۱۵۰ برگ با بعد ۱۳/۵×۲۰×۷ (۱۴/۵) سانتیمتر که هر صفحه آن ۱۴ سطر است بخط نستعلیق و اوایل فصلهای از مرکب سرخ و شته شده است. اول و آخر آن ناقص است و در قرن دهم هجری استنساخ گردیده است.

اول کتاب: «عظمت و کبریای او چون دیده نرکس از کسوت نور عاری گشته...». درباره عبادوسی مؤاف آن از هیچیک از تذکرهای اطلاعی بدست نیامد بنابر آنچه خود در مقدمه (برگ ۲۳ b) گوید این کتاب را بسان ۷۲۶ تألیف کرده و در آن موقع ۲۶ ساله بوده است؛ بنابراین باید در سال ۷۰۰ تولد یافته باشد. از اینکه بوی دبیر، میگفته اند معلوم میشود که منشی بوده است. در حقیقت این

(۱) - Karatay

(۲) - بعای XVI باید XV باشد (مترجم).

(۳) - Tekelioglu

کتاب با سبک متکلفانه خود بخوبی نشان میدهد که مؤلف آن چه شغلی داشته است. از یک جای کتاب معلوم میشود که وی اصلاح اهل دهلي است (۱). وقتی که غیاث الدین طوغلوق (Tugluk) مؤسس سلسله ترک نژاد طوغلوق دهلي پس از تسخیر لاکناوتی (Laknavti) بطرف تیرهوت (Tirhut) هجوم کرد در خدمت او بوده؛ چون بدھلی بر میگردد ناخوش میشود و در آن اتنا یکسی از دوستان وی حکایتی را که اصل این کتاب بوده و به سبک ساده‌ای نوشته شده بوده است برای او می‌آورد؛ و این واقعه بتاریخ ۷۲۵ و ۷۲۶ هجری افتاده است (رجوع شود به

Y. H. Bayur, « Hindistan Tarihi », c. I, s. 322 v.d.; Türk Tarih Kurumu yayınlarından seri XIII, c. 4).

اما کتاب «بساتین الانس»، که فقط یک نسخه خصی دیگر از آن سراغ داریم (رجوع شود به

C.Rieu, « Catalogue of the Persian MSS. in the British Museum », c. II, s. 752v.d. No. Add. 7717) باز بنا با ظهرات مولف آن همان کتاب «حکایت پادشاه کشور گیر»، مترجم از زبان هندی است (۲) که از نوبه سبک متکلفانه ای نوشته شده است. حکایت در این نسخه از برک ۲۹ شروع میکند: پادشاه شهر آچین (Ujjain) (Ačīn) (Rieu) از زاهدی میخواهد که برای وی حکایتی نقل کند. در داخل این حکایت حکایات دیگری هم هست... خلاصه آنکه این اثر تقریباً از پانزده حکایت مداخله بوجود آمده است؛ ولی اینها از قبیل حکایات کلیله و دمنه یا سند بادنامه نیست؛ مثلهایی است که مواد علمی در آنها در درجه دوم مانده و حتی گاهی اصلاً مواد علمی دیده نمیشود. در

(۱) - « خاک جان برو حضرت مظمه دهلي که مولد و منشأ اصلی من است ... » (برک ۲۱۲)

(۲) - « ... بتقدیم ضعیف آمد و نسخه حکایت پادشاه کشور گیر که ترجمه هندوی است آورد ... » (برک ۲۱۸)

اغلب جاها بوقایع خارق العاده ای بر میخوریم، از قبیل تغییر شکل مانند بلبل شدن عاشق و گل شدن معشوق و تغییر جسم مانند بیرون رفتن روح از کالبد خود و حلول آن در کالبد دیگری از طوطی وغیره .

این نسخه با اینکه ازاول و آخر ناقص است بسیار مهم است؛ زیرا علاوه بر اینکه نسخه نانی اثر بسیار نادری است، وجود آن در آنتالیا نشان میدهد که طرق انتشار ملهمای هندی چقدر متنوع میتواند باشد و چرا در جاهایی که هیچ امید نمیرود میتوان بعض موضوعها (motif) تصادف کرد .

چند ازدرز

گربخواهی که در کشاکش دهر از مقاسات غم خرف نشی
خط مشیی برای خود بگزین که از آن هیچ منحرف نشوی



دیده ای در مسیل سنک بزرگ که نمی جنبد از تها جم سیل
همچو سنک بزرگ باش و ملغز چون فتن را زجا بجنبد خیل



مرد باهیبت و وقار شدن نیست مستلزم تر شروعی
کسی همی بایدت مهابت نفس و انگهی اعتدال و خوشبوی



هر کسی بیند جهان بدیده مهر همه خلق را نکو بیند
نشود بیگمان عدوی کسی ور کسی را بخود عدو بیند



بسهمه خلق مهر بانی کن که همه خلق بندۀ تو شوند
دلبران در بر تسو دل بازند سروران سرفکنده تو شوند
ادیب طوسی